

برکت در عهد جدید و ارتباط آن با میثاق

خلیل حکیمی فر^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

مفهوم برکت در عهد جدید ریشه در مفهوم میثاق در یهودیت دارد. در سفر پیدایش از حضرت ابراهیم (ع) خواسته شد تا وارد میثاق با خدا شود تا در نتیجه آن برکت الهی بر انبای بشر عطا شود. مسئله اساسی در اینجا عبارت است از اینکه؛ برکت در عهد جدید چیست و چه ارتباطی میان آن و طرح میثاق وجود دارد؟ در عهد عتیق برکاتی چون سرزمین و ذریه عطیه الهی در برابر وفاداری بنی اسرائیل به مفاد میثاق هستند و این عطایا کاملاً مشروط هستند. در مسیحیت بر اساس میثاق جدید که میثاق لطف و فیض نامیده شده، نجات مبتنی بر ارتباط صمیمانه با مسیح (ع) به عنوان منجی است تا یک نظام دینی مبتنی بر یک سری احکام و آیین های معین. بر این اساس، در مسیحیت عیسی خود میثاق است؛ زیرا مسیح منبع همه برکات است. مطابق میثاق جدید، اگر انسان مسیح ایمان داشته باشد، ثمرات آن را در حیات درونی خود به دست خواهد آورد و او را در زندگی بهتر و نجات بعد از مرگ یاری خواهد کرد. در اینجا نقش مسیح به عنوان یک منجی، تنها محدود به بنی اسرائیل نمی شود، بلکه لطف او شامل همه انسان های روی زمین می گردد. در عین حال برکتی که از طریق مسیح ارائه می گردد، نعمت مادی نیست، بلکه برکت معنوی است و بیشتر ناظر به ملکوت الهی و برای زمان آینده است. این پژوهش مبتنی بر کتاب مقدس و منابع کتابخانه ای است و به شیوه تحلیلی به موضوع برکت در عهد جدید می پردازد.

واژگان کلیدی: برکت، عهد جدید، عیسی مسیح (ع)، میثاق، نجات، نفرین.

۱. مقدمه

یکی از مفاهیم مشترک و بسیار مهم در کتب مقدس و الهیات سه دین ابراهیمی، مفهوم "برکت" است که با طرح "میثاق" در این ادیان ارتباط مستقیم دارد. واژه برکت آغازی فوق‌العاده و تاریخی طولانی دارد و برای فهم عمق و غنای آن باید تاریخ و چگونگی پیدایش مفهوم آن را به دقت مطالعه کرد. موضوع برکت در کتاب مقدس، به ویژه سفر پیدایش موضوعی است که با تمام اضلاع آن آمیخته است [4, P. 1]. به تعبیر آلن راس "حتی مرور ساده سفر پیدایش، برجسته بودن موضوع برکت را نشان می‌دهد [16]. [p.65] خلقت با برکت الهی آغاز می‌گردد و خداوند با اعطای نفس خود بشریت را برکت می‌دهد [سفر پیدایش ۲: ۷]. کتب مقدس ادیان ابراهیمی حاکی از این است که خداوند منشأ همه برکات است. هدف خدا این است که مردم واسطه برکت خدا به یکدیگر باشند، همان‌طور که ما نعمت‌های او را در زندگی خود دریافت می‌کنیم، این نعمت‌ها باید به دیگران نیز منتقل شوند، اما در سفر پیدایش آمده است که "برکت الهی موجب حاصل-خیزی زمین و حاصل‌خیزی زندگی؛ موجب رونق زندگی می‌شود [Ibid, p. 66]. خداوند به آدم و حوا برکت می‌دهد تا در همان ابتدا بارور و تکثیر شوند [پیدایش ۱: ۲۸]. اما همین برکت در کتاب مقدس در کلیت طرح میثاق میان خدا و انسان قابل بررسی است. در جریان این رابطه صمیمانه است که خداوند عشق خود را نسبت به خلقت ابراز کرده است. میثاق یک توافق خاص است. میثاق مانند یک قرارداد یا مشارکت، وظایفی را که هر فرد یا گروهی متعهد به انجام آن هستند مشخص می‌کند. هر شخص باید سهم خود از توافق‌نامه را انجام دهد و گرنه عواقبی در پی خواهد داشت. خداوند بر اساس میثاق به حضرت ابراهیم (ع) وعده می‌دهد که به او برکت دهد و کسانی را که او را لعن می‌کنند نفرین کند. برکت به ابراهیم (ع) شامل "باروری"، "تسلط" بر زمین، تغذیه، رابطه جنسی محبت‌آمیز و مهمتر از همه، صمیمیت با خود خدا بود و این برکت از طریق حضرت ابراهیم (ع) به همگان انتقال می‌یافت. برکت در عهد عتیق بیشتر به معنی برکات مادی است؛ با این حال انسان می‌تواند در آن به صورت درخواست برکت یا به صورت اعلام آن به سایرین، نقش داشته باشد. بازگرداندن برکت از جانب انسان به خدا به مفهوم سپاسگزاری از خدا و ستایش اوست. هدف از اعطای این برکات، بازیابی، تقویت و نگهداری رابطه انسان با خدا و در نهایت اطمینان از وجود ابدی انسان در بهشت است. در عهد جدید نزول برکات آسمانی به خاطر همراهی با مسیح (ع) است. آنچه در مورد برکت در عهد جدید تازگی دارد، ایده به ارث بردن ملکوت از طریق آمدن مسیح در آینده

است. این مفهوم در عهد جدید در یک کلمه بنیادی خلاصه می‌شود و آن عبارت است از: نجات. بنا بر الهیات مسیحی، ایمان به مسیح است که رحمت و برکت خدا علاوه بر باروری و حاصل‌خیزی، رستگاری و نجات را نیز فراهم می‌کند. البته این رستگاری و نجات شامل تمامی ملت‌ها می‌شود، نه فقط افرادی که منتخب خدا هستند.

عهد جدید نشان‌دهنده حوزه گسترده‌ای از مورد رحمت و برکت‌بخشی الهی است. در الهیات مسیحی، برکات الهی به واسطه حضرت مسیح (ع) تکمیل شده و عمل برکت‌بخشی او موجب فزاینده‌گی خلقت خوب خداوند گردیده است. بنابراین، دایره شمول برکت‌بخشی او بسی فراخ‌تر از پیشینیان او به نظر رسیده است. چون برکت ایشان حتی شامل کسانی می‌شود که او را لعن و نفرین می‌کنند. از این‌رو، فرمانی که وی به حواریونش می‌دهد این است که "مورد رحمت و برکت قرار دهید کسی را که شما را لعن و نفرین می‌کند" [لوقا ۲۸: ۶ و متی: ۴۴: ۵]. اشاره مسیح به "پیاله رحمت" [لوقا ۲۰: ۱۷-۲۲]، توزیع نان، دعای او برای درمان و رحمت، عمل خاص او در ضیافت و آبی که تبدیل به شراب عروسی شد را می‌توان در راستای رحمت و برکت‌بخشی او دانست [5, p.3]. در واقع، مسیح شرابی جدید آماده می‌کند، تا مردم گردهم آیند و درک جدیدی از میثاق به دست آورند و در فهرست دریافت‌کنندگان برکت قرار گیرند. "این پیاله نشان‌دهنده پیمان تازه خداست که با خون من مهر می‌شود، خونی که برای نجات شما ریخته می‌شود" [لوقا، ۲۲. ۲۱]. آنچه که در تبدیل آب به شراب توسط مسیح مهم است، این است که با این عمل نشان دهد که برکت بایستی با شکرگزاری و دعای خیر در پایان هر وعده غذایی، به خدا بازگردد [Ibid]. همان‌طور که در مزامیر می‌خوانیم که "خدا ابتدا خلق می‌کند و سپس با اعطای برکت به مخلوقات خود ابراز وجود می‌کند و سپس از آن‌ها می‌خواهد تا با ستایش او، برکت را به او بازگردانند" [مزامیر ۲۲: ۱۰۳]. بر اساس الهیات مسیحی؛ مسیح هم نفرین خدا را تجربه کرد و هم برکات او را [غلاطیان ۱۳: ۳]. او نه به خاطر گناهان شخصی خود، بلکه به خاطر گناهان بشریت مورد لعن خدا قرار گرفت [اشعیا ۵۳: ۱-۱۲؛ فیلیپیان ۲: ۸-۹]. رستاخیز و عروج او برکت اطاعت کامل از خدا بود. هر نعمت ابدی خدا قبلاً از طریق مسیح به مؤمنان واقعی اختصاص یافته است [افسیان ۱: ۳].

به لحاظ آیینی، در کلیسای کاتولیک روم، ارتدکس شرقی، کلیسای انجیلی، لوتری و سنت‌های مشابه، برکات رسمی کلیسا توسط اسقف‌ها، کشیش‌ها و شماس‌ها ارائه می‌گردد. در کلیساهای کاتولیک روم، ارتدوکس شرقی، انگلیکان و لوتران، اسقفان و

کشیش‌ها در آغاز مراسم آیین گلیسا و در پایان آن، دست راست خود را بالا می‌برند و نشانه صلیب را بر روی اشخاص یا اشیا می‌کشند تا بدین صورت به آنان برکت دهند. در کلیساهای لوتری، اغلب از کشیشان خواسته می‌شود که اشیاء مقدسی چون گردنبند صلیبی را برکت دهند. علاوه بر این، روحانیون لوتر خانه اعضای کلیسا را نیز برکت می‌دهند. [2, p.244]

۲. برکت چیست؟

برای عبری، בְּרָכָה (brakha, berakah, bracha, brokhe, brokho) میراثی از بنی اسرائیل است. این اصطلاح از ریشه عبری "brk" دارای معانی متعدد و نسبی است. معنی نخستینی که بیش از همه بر آن تأکید می‌شود، مفهوم "شالوم" است. کلمه‌ای که معمولاً به "صلح" ترجمه می‌شود. اما صلح خدا - شالوم - نه تنها به معنی از بین بردن خشونت، بلکه به معنی اعطای فراوانی بسیار است [15, p. 1]. معنی دوم این اصطلاح "به پای کسی افتادن" است که احتمالاً اشاره به ستایشگری خدا دارد. معنی دیگر آن دریافت عطیه یا دادن آن است. [18, p.9]. معنی چهارمی که برای آن گفته شده "ایجاد ارتباط میان گروه‌ها" است که موجب رحمت و منفعتی می‌شود [10, p. 724].

فرهنگ لغت مفاهیم کتاب مقدس، برکت را چنین تعریف می‌کند: "برکت عبارت است از مزایای معنوی و مادی که خداوند برای بهره‌مندی انسان عرضه کرده است و انتظار این است که دریافت‌کنندگان برکت، آن را از جانب خدا بدانند و شکرگزار او باشند" [13, p. 44].

۳. اصطلاح برکت در عهد جدید

برکت به معنای فزونی نعمت و دوام آن، یکی از مفاهیم معنوی مهم در اکثر ادیان جهان می‌باشد و با وجود اینکه شاید این مفهوم تنها در جهان بینی الهی معنا و مفهوم واقعی خود را می‌یابد، اما به طور کلی در همه جوامع به عنوان عامل معنوی مؤثر در قلمرو رویدادهای زندگی، مورد توجه قرار دارد. برکت در عرصه ادیان الهی مفهومی اعتقادی است که مؤمنان را از ایمان و دین‌داری خویش، به نوعی رضایت‌مندی پیوند می‌زند. برکت خیر فراوانی است که با نمو و رشد تقارن دارد، اعم از اینکه آن خیر از نظر مقدار کم یا زیاد باشد. فرهنگ لغت مضامین کتاب مقدس برکت را چنین تعریف می‌کند: "فواید معنوی و مادی که خداوند برای بهره‌مندی انسان عرضه کرده است." متبرک ساختن! نام خدا

واکنش در خور باورمندان به همه آن چیزی است که خدا برای آن‌ها داده است [4, p.1]. دکتر آلمن برکت را چنین خلاصه می‌کند: "برکت مشیت خداوند است، برای فراهم آوردن همه چیزهایی که برای زندگی و خدمت لازم است" [همان]. با جستجو در عهد جدید، شاید بهترین تعریف از برکت را می‌توان در سخنان حضرت عیسی (ع) دید. ایشان می‌فرماید که او آمده است تا "زندگی با تمام وجود" را به کسانی که به او ایمان دارند، عطا کند [یوحنا ۱۰: ۱۰]. به نظر می‌رسد "زندگی با تمام وجود" تعریف خوبی از "برکت" است. درست پس از خلقت، خدا خواست بشر برکت یابد. از این رو برکت را در بسته‌ای به نام میثاق قرار داد.

کلمه برکت ۴۱ بار به صورت فعل، ۱۶ بار به صورت اسم و ۸ بار به صورت صفت در عهد جدید به کار رفته است. بنابراین از ۲۵۰ کلمه برکت در کتاب مقدس ۶۵ تای آن در عهد جدید است. از این میان، بیشترین موارد در انجیل لوقا، نامه‌های پولس و در نامه به عبرانیان یافت می‌شود. برکت انسان به خدا (شکرگزاری انسان از منبع برکت)، در حدود ۴۰ بار بیشترین تکرار و برکت خدا به انسان در رتبه دوم و برکت انسان به انسان دیگر در رتبه سوم به لحاظ فراوانی قرار می‌گیرد. جالب اینجاست که کلمه برکت و مشتقات آن در عهد جدید، ترجمه عربی برکت است که بسیار شبیه به عبری آن است. این بیشتر مربوط به برکت خدا به انسان و برکت انسان به خداست. همان‌طور که تعدادی از محققان اشاره کرده‌اند، برکت موجود در عهد عتیق در عهد جدید بازتعریف شده است [8, p. 2].

برکت و لعنت دو کلمه متضاد هستند و در کتاب مقدس در سه معنا آمده‌اند: ۱. دعا و نیایش خوب یا بد؛ ۲. خوش بختی و بدبختی و ۳. نزول خوبی و بدی برای کسی یا چیزی. بنابراین نخستین معنا که ارائه‌کننده بهترین معنا می‌باشد همان برکت و نفرین یا لعن است. برکت و نفرین از دعاهای ساده و بنیادی اسرائیلیان است. وقتی قرار باشد برای کسی دعای خوب شود و برای او خوشی و سعادت در زندگی و داشتن سال خوب و پرمحصول آرزو شود و یا دعای سلامتی و خوشبختی و زندگی طولانی و پیروزی بر تمام مشکلات گردد، از برکت استفاده می‌شود. اما برعکس اگر قرار باشد برای کسی بدی خواسته شود و برای او سال بدی همراه با ناراحتی و مریضی و فقر و دوری از فیض خدا آرزو شود، از لعن و نفرین استفاده می‌شود. اما از نظر مسیحیان، معنا و مفهوم برکت تا حدی با باور یهودیان متفاوت است. کلیسای کاتولیک در مورد باورهای نخستین در مورد برکت معتقد است: اعتقادات اولیه در دوره عهد قدیم در مورد برکت، معدود آثاری در مورد سحرورزی‌هایی است که در آن با صدای بلند چیزهایی را می‌خوانده‌اند که حاکی از لعن

و یا برکت بوده است. برخی روایات قدیمی‌تر نیز حاکی از موهوم‌پرستی و خرافه‌گرایی برخی از یهود در مورد برکت است. با این حال، نهایت چیزی که می‌توان به دوره عهد قدیم نسبت داد، این نکته است که برکت فقط از جانب خدای متعال، به بندگان ارزانی می‌گردد. در عهد جدید، یکی از موارد اعطای برکت در انجیل لوقا ذکر شده است؛ هنگامی که مسیح در حال صعود به طرف پدر است و به رسولان برکت می‌دهد. برکت دادن عیسی در شام آخر هم علاوه بر ستایش و شکرگزاری برای پدر آسمانی نوعی طلب برکت برای پیروانش و رسولان بود. البته در عهد جدید، برکت معانی متفاوتی دارد و برخلاف متن مقدس عبری دارای معانی یکسانی نیست؛ برکتی که در کلام عیسی آمده است گاهی فراخواندن نیروی پاک و مقدس خدا برای بندگان است، چنان که در شام آخر اتفاق افتاد؛ و گاهی نیز طلب خیر اخروی برای پیروانش. به هر حال، وعده برکت و نجات در عهد جدید در مسیح تحقق می‌یابد [اعمال رسولان ۳: ۲۵-۲۶؛ نامه به غلاطیان ۳: ۸-۹، ۱۴]. همچنین در اناجیل می‌بینیم که عیسی معانی جدیدی را برکت وارد می‌کند [11, p.72-74, 82-86]. به عنوان مثال ایشان با دست گذاشتن روی کودکان و برکت دادن به آن‌ها بر این واقعیت تأکید دارد که برای ورود به ملکوت خدا باید فروتن بود و ایمان کودکانه داشت].

۴. بشارت برکت

در الهیات مسیحی، نعمتی که خداوند به عنوان برکت بشارت می‌دهد چیست؟ وقتی پیروان حضرت عیسی (ع) امروز از بشارت یا انجیل صحبت می‌کنند، اغلب به پیامی درباره مرگ و قیام مسیح اشاره می‌کنند. گاهی اوقات آن‌ها از راهی برای بخشش گناهان و گاهی هم از راهی برای رسیدن به بهشت پس از مرگ صحبت می‌کنند. هریک از این اشارات تا حدی درست است. حضرت عیسی (ع) بسیاری را به ورود به ملکوت خدا دعوت می‌کند؛ همان طوری که یحیی تعمید دهنده، مردم را برای ورود حضرت عیسی (ع) آماده می‌کند. پیام او این است: "توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است" [متی ۳: ۲]. او همچنین به آن‌ها هشدار می‌دهد که برای رسیدن به ملکوت این پادشاه از مسیر خود صرف‌نظر نمایند. یوحنا نیز به آن‌ها می‌گوید که "... در جهت توبه پیش بروید..." [متی ۳: ۸]. توبه به معنای رهایی از عادات و آموختن روش‌های جدید در برپایی عدالت است. حضرت عیسی (ع) دستور می‌دهد که ابتدا به دنبال ملکوت و درستی خود باشید و برای ورود به ملکوت خدا باید توبه کنید، از جستجوی راه‌های خود دور شوید و از شیوه-

های جدید زندگی استقبال کنید [متی ۳۳: ۶]. در عهد جدید روش جدید زندگی را بشارت نامیده‌اند. معلوم می‌شود که بشارت حضرت عیسی (ع) شامل سه قسمت مهم است: از گناه توبه کنید، ایمان بیاورید و با ایمانی زندگی کنید که نتیجه آن اطاعت است. بشارت ملکوت این است که همه مردم می‌توانند به روابط خوب با خدا برگردند و سلطنت و حکومت خدا را در اینجا و اکنون تجربه کنند.

۵. برکت در خطبه کوه

در کتاب مقدس از برکات بسیاری که به انسان‌های مؤمن اعطا می‌شود سخن رفته است. در واقع، اولین برکات از سخنان خداوند ناشی می‌شود؛ یعنی هر کلمه‌ای که خداوند ارسال می‌کند، برکتی است برای دریافت‌کنندگان آن. خطبه کوه یکی از خطبه‌های فوق‌العاده حضرت مسیح (ع) است که پیام خداوند در مورد برکت را توضیح می‌دهد. او در این خطبه از هشت گروه و برکات مربوط به آن‌ها می‌گوید [12, p. 6-14]. این هشت گروه و برکت عبارتند از:

کسانی که احساس نیاز به خدا کنند؛

اولین برکت در این خطبه مسیح توجه ما را به نقطه ورود به ملکوت الهی معطوف می‌کند. وی گفت:

"خوشا به حال آنان که نیاز خود را به خدا احساس می‌کنند. زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است" [متی ۵: ۳].

فقر معنوی به این واقعیت اشاره دارد که در طبیعت انسانی هیچ چیز با ارزشی برای خدا وجود ندارد "زیرا همه گناه کرده‌اند و از شکوه خدا دورند" [رساله به رومیان. ۳: ۲۳؛ نک: یوحنا. ۶: ۶۴].

پیام فقر معنوی آن قدر مهم است که حضرت عیسی (ع) به توضیح بیشتر آن با یک تمثیل می‌پردازد: "دو مرد به معبد رفتند تا نماز بخوانند، یکی فریسی و دیگری یک باجگیر. فریسی ایستاد و به این صورت دعا کرد: "خدایا، من از تو سپاسگزارم که من مثل بقیه زورگیران، بی‌انصافان، زناکاران، یا حتی مثل این باجگیر نیستم. من در هفته دوبار روزه می‌گیرم و از هر چه دارم می‌بخشم. باجگیر که دور ایستاده بود، حتی جرأت نکرد از خجالت سر خود بلند کند، بلکه با اندوه بر سینه خود زد و تنها گفت: خدایا، بر من گناهکار رحم نما. به شما بگویم، این مرد به جای دیگری بخشیده شد و به خانه‌اش

رفت. اما آن فریسی مغرور از رحمت خدا محروم ماند. زیرا هرکه خود را بزرگ جلوه دهد، پست خواهد شد و هرکه خود را فروتن سازد، سربلند خواهد گردید « [لوقا ۱۸: ۹-۱۴].

کسانی که عزادار می شوند؛

"خوشا به حال کسانی که عزادارند، زیرا آن‌ها تسلی خواهند یافت" [متی ۵: ۴]. شرایط عزاداری نشان می‌دهد که فرد کاملاً تحت تأثیر وضعیت نا امیدکننده قرار گرفته است که نمی‌تواند خودش را نجات دهد، در حالی که تسکین آن با مداخله خدا در تغییر این وضعیت امکان‌پذیر است. پروردگار می‌خواهد که انسان به وضعیت اسف‌بار فساد روحی و روانی خود کاملاً پی ببرد.

نرم خویان؛

"خوشا به حال افراد نرم، زیرا آن‌ها زمین را به ارث می‌برند" [متی ۵: ۵]. این ویژگی اشاره به این واقعیت است که فردی که روحیه لطیف و قابل انعطاف دارد، می‌تواند پذیرای دستورات عمل‌های معنوی و اخلاقی ملکوت آسمان باشد.

گرسنگان و تشنگان عدالت؛

"خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند، زیرا آن‌ها سیر خواهند شد" [متی. ۵: ۶].

عدالت در میان مردم در وهله اول پذیرفتن کامل روزی‌ای است که از سوی خداوند مقدر شده است. برای رستگاری و داشتن یک زندگی عادلانه باید مطابق اراده خدا عمل کرد و به مقدرات او راضی بود.

بخشندگان؛

"خوشا به حال مهربانان، زیرا آن‌ها رحمت خواهند یافت" [متی ۵: ۷]. برکت عبارت است از بخشش بدون چشمداشت و بدون در نظر گرفتن مقدار نیاز دریافت‌کننده و نیز بدون در نظر گرفتن صلاحیت او برای برخورداری از آن. تنها شرطی که پروردگار برای اجابت دعا مطرح می‌کند، این است که شخص اعتراف کند و گناهان خود را ترک کند (توبه): "کسی که گناهان خود را ببوشاند، موفق نخواهد شد، اما هرکس آن‌ها را اقرار کند و آن‌ها را رها کند، بر او رحم خواهد شد" [نک: اول یوحنا ۱: ۹]!

پاک‌دلان؛

"خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا آن‌ها خدا را خواهند دید" [متی ۵: ۸].
وقتی شخصی از گمراهی به ملکوت الهی وارد می‌شود، نه تنها گناهانش بخشیده می‌شوند، بلکه خود او نیز مورد رحمت قرار می‌گیرد، قلب او از گناهان پاک و از روح القدس لبریز می‌گردد.

صلح‌کنندگان؛

"خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا آن‌ها فرزندان خدا خوانده خواهند شد" [متی ۵: ۹].
عیسی (ع) با قربانی شدن خود از همه فرزندان خدا می‌خواهد که صلح‌جو باشند و بشارت دهند که گناهکاران می‌توانند با خدا صلح کنند... [نامه به رومیان. ۱۵: ۳۳؛ دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۳].

همه کسانی که با خدا آشتی کرده‌اند، صلح او را در قلب خود تجربه می‌کنند. این نوعی صلح است که دنیا نمی‌تواند به کسی اعطا کند. به همین دلیل عیسی (ع) فرمود: «صلحی که من به تو می‌دهم مانند آن چیزی که دنیا به تو دهد، زودگذر نیست» [یوحنا ۱۴: ۲۷]. این آرامشی است که در پی آمرزش گناه و تولد دوباره توسط روح القدس در قلب ما ریخته شده است: "میوه روح، عشق، شادی و صلح است" [غلاطیان ۲۲: ۵].

آزاردیدگان در راه حقیقت؛

"خوشا به حال کسانی که به خاطر عدالت مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، زیرا ملکوت آسمان متعلق به آن‌هاست" [متی ۵: ۱۰].

بیشتر مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند [یوحنا ۱۹: ۳]، و این دلیل آن است که اقلیت مسیحیانی که خود را در راه باریک قرار داده‌اند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. در این خطبه حضرت عیسی (ع) از یک‌سری برکات سخن می‌راند که مهمترین ویژگی آن‌ها عدم ارتباط با رفاه در زندگی این جهانی است: در عبارات "پادشاهی آسمان از آن آنان است"، "آن‌ها آرام خواهند شد"، "آن‌ها زمین را به ارث می‌برند"، "آن‌ها پرشمار خواهند شد"، "آن‌ها رحم خواهند کرد"، "آن‌ها خدا را خواهند دید"، "آن‌ها فرزندان خدا خوانده خواهند شد"، "پادشاهی آسمان از آن‌هاست" و "پاداش شما در بهشت بزرگ است". گرایش فرجام‌شناختی مربوط به آینده دیده می‌شود.

این تمرکز آینده حتی در انجیل لوقا بارزتر است. به عنوان مثال در آنجا می‌خوانیم؛

"وای بر شما که ثروتمند هستید، زیرا شما تسلیت خود را دریافت کرده‌اید" [لوقا ۲۴: ۶]. در اینجا رونق زمین دیگر نشانه برکت خدا نیست. زندگی در سرزمین مرفه، توسط عیسی به کلیسایی از همه ملت‌ها تبدیل شده است که متعلق به یک سرزمین آسمانی با نعمت-های آسمانی است. از این‌رو، عجیب نیست که پولس اعلام می‌کند که خدا "ما را در مسیح با هر نعمت معنوی در مکان‌های آسمانی برکت داده است" [نامه به افسسیان ۱: ۳]. بنابراین عیسی نیز کلید تحقق وعده برکت است.

این نوع برکت بخشی توضیح می‌دهد که چگونه عهد جدید می‌تواند برکت را از طریق رنج توسعه دهد و افراد محنت کشیده و آزار دیده را به اوج خوشبختی‌ها وعده دهد [متی ۵: ۱۰-۱۲]. پطرس در مورد برکت از طریق آزار و شکنجه صحبت می‌کند و می‌گوید: "اگر به خاطر نام مسیح مورد بی‌مهری قرار گرفتید، برکت خواهید یافت، زیرا که روح خدا در شما قرار گرفته است" [اول پطرس ۴: ۱۴].

بنا بر عهد جدید، کسانی که به خدا تعلق دارند، همچنان مبارک هستند - آن‌ها در مسیح مبارک هستند [متی ۵: ۳-۱۱؛ ۲۵: ۳۴؛ لوقا ۶: ۲۰-۲۲؛ نامه به رومیان ۴: ۷-۸؛ نامه به افسسیان ۱: ۳؛ یوحنا ۵: ۱۱]. برکات آن‌ها شامل بخشش [رومیان ۴: ۷-۹]. توانایی ایمان آوردن بدون دیدن [یوحنا ۲۹: ۲۰]. و شاهدان مکاشفه [۱۴: ۱۳؛ ۱۶: ۱۵؛ ۱۹: ۹؛ ۲۲: ۷، ۱۴] است. همان‌طور که مری ایوانز^۱ می‌گوید: «این نعمت‌ها ارتباط تنگاتنگی با عملکرد عیسی دارد. این عیسی است که از طریق زندگی، مرگ و رستاخیز، یهودی و غیر یهودی را قادر می‌سازد که نعمت‌های وعده داده شده از طریق ابراهیم را به ارث ببرند" [7, p. 400].

۶. ویژگی‌های برکت جدید

در عهد عتیق مردم می‌توانند انتظار برکت را در همین دنیا داشته باشند. خداوند به بنی-اسرائیل، باروری، سرزمین و رفاه عطا کرد و این‌ها بخشی از برنامه خدا برای برکت دادن به همه جهان بود. اما بنا بر عهد جدید برکت چه مصداقی در نزد حضرت مسیح پیدا کرده است؟ در پاسخ به این سؤال انواع برکت در عهد عتیق و تغییرات به وجود آمده در عهد جدید بدین‌گونه است:

الف) برکت در ذریه

وعدۀ "ذریه" یا فرزندان به ابراهیم، تجدیدنظر شگفت‌انگیزی در عهد جدید پیدا می‌کند. نخست اینکه، عیسی خود تحقق ذریهٔ وعده داده شده است [نامه به غلاطیان ۳: ۱۶]. دوم، همان‌طور که پولس در نامه به رومیان ۴: ۱۱-۱۲ توضیح می‌دهد، اکنون فرزندان ابراهیم غیریهودیانی که به عیسی ایمان آورده‌اند را نیز دربر می‌گیرد. در اینجا دیگر تبارنامه‌ها محل توجه نیستند. آنچه در اینجا اهمیت دارد کلیسا (مؤمنان به مسیح) است که اسرائیل واقعی است نه "نژاد برگزیده و ملت مقدس" [اول پطرس ۲: ۹]. همان‌طور که پولس اعلام می‌کند، وعدۀ خداوند برای اعطای برکت به ملت‌ها از طریق ابراهیم محقق شده است. زیرا "کسانی که ایمان می‌آورند در برکت ابراهیم سهیم می‌شوند" [نامه به غلاطیان ۳: ۹].

ب) برکت در سرزمین

وعدۀ سرزمین در عهد جدید ادامه می‌یابد؛ با این تفاوت که اولاً، وعدۀ سرزمین که در سفر پیدایش [۱۲: ۱]، بر کنعان متمرکز بود در اینجا، شامل کل زمین یا جهان می‌شود. به عنوان مثال، پولس از وعده‌ای صحبت می‌کند که بر اساس آن ابراهیم "وارث جهان گردیده است" [روم ۴: ۱۳]. در اینجا نیز این وعده گسترش می‌یابد تا جایی که همهٔ سرزمین‌ها و ساکنان آن‌ها از طریق ابراهیم برکت می‌یابند. دوم اینکه، عهد جدید تمرکز خود را از زمین به آسمان تغییر می‌دهد. هار^۱ اظهار می‌دارد که منظور حضرت عیسی (ع) از مالکیت کل جهان^۲ اشاره به پادشاهی آسمان است [5, p. 39]. در عهد عتیق منظور از میراث، زمین است. اما در اول پطرس [۴: ۱] و نامه به کولسیان [۱: ۱۲]، رسولان از میراث آسمانی صحبت می‌کنند. این تغییر را می‌توان در اظهارات عیسی مسیح مشاهده کرد که پادشاهی او "مربوط این جهان نیست" [یوحنا ۳۶: ۱۸]. در نامه به عبرانیان نیز اشاراتی به "کشور آسمانی" و "اورشلیم آسمانی" دیده می‌شود [نامه به عبرانیان ۱۱: ۸-۱۶؛ ۱۲: ۲۲]. حتی فراتر از این‌ها، برکت به جای زمین در شخص مسیح و در ملکوت آسمانی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در اینجا منبع همهٔ برکات گذشته، حال و آینده در عیسی متمرکز شده است [افسیان؛ ۱: ۱۰].

1. Hare

۲. در موعظهٔ سر کوه عیسی (ع) می‌فرماید: "خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند شد" [متی ۵/۵].

جان استوت^۱ بر اساس همین شواهد بود که اظهار داشت، "پیشگویی‌های کتاب مقدس همیشه از محدوده‌ای که در ابتدا برایشان تعیین شده، فراتر می‌روند" [19, p. 130]. دان^۲ نیز تفسیر مشابهی از این موضوع دارد و می‌گوید که پولس وعده‌های ابراهیمی را به عنوان یک کل که منجر به احیای همه جهان می‌شود - درک کرده است [6, p. 213]. یا به قول هاگنر گسترش وعده سرزمینی که در متی [۵: ۵] دیده می‌شود به نوعی تحقق سخنان مزموور [۳۷: ۱۱] را نشان می‌دهد^۳ [9, p. 92].

ج) برکت در حیات معنوی

معنای متعارف برکت تجربه خوشی و زندگی عاری از سختی است. اما حضرت عیسی (ع) تغییر بنیادی در مفهوم متعارف شادی می‌کند. از نظر ایشان، کسانی که زندگی خوبی دارند، لزوماً "خوشبخت" نیستند. مطابق موعظه کوه، ممکن است فردی فقیر باشد، گرسنه و فروتن باشد، تحقیر شود و در معرض آسیب‌ها و آزار و اذیت قرار بگیرد، اما احساس خوشبختی کند. ممکن است شرایط زندگی برخلاف میل کسی باشد. با این-حال زندگی نمی‌تواند، خوشبختی را از او بگیرد. زیرا؛ او خوشبختی را از این زندگی نگرفته است. سعادت در خطبه کوه "وارونگی همه ارزش‌های انسانی" را به تصویر می‌کشد. در اینجا، خوشبختی واقعی یک حالت ذهنی یا عاطفی نیست، بلکه نتیجه یک عمل الهی در زندگی انسان‌ها است.

در عهد جدید سعادت انسان به آینده موکول می‌شود و اعطای برکات در نهایت تا تحقق آینده پادشاهی خدا بر روی زمین تجربه نخواهد شد. بنابراین، در موضوع سعادت، حال و آینده به نوعی با هم مرتبط هستند. آینده موعود همیشه شامل یک تغییر اساسی در زمان حال است. اناجیل نشان می‌دهند که شادی حواریون ازین روی نیست که در زندگی از هیچ مشکلی رنج نمی‌برند، بلکه به این دلیل است که با گذر از زندگی این جهانی، شهروندان پادشاهی به حساب خواهند آمد. بنابراین، زندگی آن‌ها با توجه به تحقق آینده پادشاهی معنا دارد.

خداوند نعمت‌ها را به نعمت‌های مادی و معنوی تقسیم کرده است. یهودیان در بیابان

1. John Stott

2. Dunn

۳. "اما اشخاص فروتن از برکات خود برخوردار خواهند شد و زندگی آن‌ها با صلح و صفا توأم خواهد بود" [مزامیر، ۳۷/۱۱].

از من و سلوی خوردند و مردند. حضرت عیسی فرمود که آن‌ها مائده واقعی را از بهشت دریافت نکرده‌اند؛ زیرا آن‌ها نعمات مادی طلب کردند و حضرت موسی (ع) هم تنها نیازهای مادی آن‌ها را مرتفع گردانید. هر چند نعمات مادی نیز از بهشت نازل شد، اما آن‌ها متفاوت از نعمات معنوی هستند. در انجیل متی [۴: ۴]، حضرت عیسی (ع) در برابر شیطان که گفت "اگر این سنگ‌ها را تبدیل به نان کنی، ثابت خواهی کرد که فرزند خدا هستی،" می‌فرماید: "نه، من چنین نخواهم کرد، زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید: نان نمی‌تواند روح انسان را سیر کند، بلکه فقط کلام خداست که می‌تواند نیاز درونی او را برآورده سازد" [متی ۴: ۴].

از این‌رو، مسیحیان همواره بر یهودیان انتقاد می‌کنند که آن‌ها عیسی (ع) و میثاق او را نمی‌شناسند و آن‌ها میثاق خدا و هدفشان را برای برکت دادن به همه مردم فراموش کرده‌اند و آن‌ها برکت خدا را تنها برای خود و قوم خود می‌خواهند...". شما همیشه خواهید شنید، اما هرگز درک نخواهید کرد. شما همیشه خواهید دید، اما هرگز درک نخواهید کرد. قلب این مردم بی‌احساس شده است. آن‌ها به سختی با گوش خود می‌شنوند و چشمان خود را بسته‌اند. در غیر این صورت ممکن است آن‌ها با چشم خود ببینند، با گوش خود بشنوند، با قلب خود بفهمند و برگردند و من آن‌ها را شفا خواهم داد" [متی ۱۳: ۱۳-۱۵]. اما از نظر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) با تجلی دوباره عشق و برکت خداوند برای همه مردم، آن‌ها را به چالش می‌کشد. حضرت عیسی (ع) می‌آید تا ملکوت معنوی را به زمین بیاورد. اما این ملکوت نه تنها برای برکت به اسرائیل، بلکه برای همه انسانها است.

د) برکت با تحول درون

در الهیات مسیحی روح القدس کسی است که انگیزه‌ها و قلب افراد را تغییر می‌دهد. انسان نمی‌تواند قلب یک شخص را تغییر دهد. خدا می‌داند چه چیزی باید تغییر کند یا از یک فرهنگ حذف شود. جادوگران در افسس وقتی کار خدای متعال را در بین خود تشخیص می‌دهند، کتاب‌های جادویی خود را می‌سوزانند و از بین می‌برند [اعمال ۱۹: ۱۹]. خدا می‌خواهد پیروانش در اجرای عهد و پیمان خود برای برکت دادن به همه مردم به او پیوندند [پیدایش ۱۲: ۱-۳]. بر این اساس، تغییر واقعی هنگامی اتفاق می‌افتد که روح القدس افراد و جوامع را از درون تغییر دهد. هنگامی که خداوند ما را به رابطه خوب با او بازگرداند، ما یک چیز جدید دریافت خواهیم کرد؛ غلبه بر شر از طریق برکتی است که

دریافت می‌کنیم - نعمتی که با آن همه مردم را برکت می‌دهیم. هویت و زندگی خود را به روشی جدید آغاز کنیم. ما در حقیقت در یک رابطه ترمیم‌شده با خدا، با خانواده‌ها، با جوامع و با خود زندگی می‌کنیم. وقتی دیگران عشق، عدالت و رحمت را مشاهده می‌کنند که ما شروع به نشان دادن آن‌ها کنیم، خدا شخصیت و ملکوت خود را از طریق ما آشکار می‌کند. هنگامی که قوم خدا برای خدمت، تکریم و برکت دادن به همه گروه‌های مردم تلاش می‌کنند، خدا هدف خود را برای برکت دادن به همه مردم از طریق آن‌ها نشان می‌دهد. هنگامی که قوم خدا چنین می‌کنند، خداوند با قدرت از طریق آن‌ها می‌تواند حکومت ملکوت خود را در خانواده‌ها، جوامع و روی زمین آن‌ها برقرار کند. او ملکوت نیکی، عدالت و رحمت خود را برای همه مردم آشکار می‌کند.

ملکوت خدا نه ملکوت مادی و سیاسی، بلکه ملکوت معنوی است که توسط عشق اداره می‌شود و با دعوت وارد آن می‌شود. تابعیت در ملکوت خدا تابعیت سیاسی نیست. شهروندان هر قبیله یا ملتی روی زمین می‌توانند، شهروندان ملکوت خدا باشند.

ه) برکت برای همگان

در زمان حضرت عیسی (ع)، یهودیان مردم دنیا را در دو گروه می‌بینند: خود (یهودیان) و همه دیگران (غیریهودیان). حضرت عیسی (ع) با افراد هر دو گروه تعامل دارد. بعداً پولس و رسولان دیگر نیز چنین می‌کنند. برای درک داستان‌های عهد جدید باید چند نکته در مورد هر دو گروه درک کنیم. یهودیان از فرزندان نسبی حضرت ابراهیم (ع) از طریق اسحاق و یعقوب هستند. حضرت عیسی (ع)، در خانواده‌ای یهودی متولد شد که نیاکان خود را از طریق پادشاه داوود به حضرت ابراهیم (ع) می‌رساند [متی ۱ و لوقا ۳]. دوازده حواری که او انتخاب می‌کند، یهودی هستند. حضرت عیسی (ع) بیشتر وقت خود را با یهودیان دیگر می‌گذراند. غیریهودیان مانند یهودیان فرزندان نسبی حضرت ابراهیم (ع) نیستند. آن‌ها می‌توانند فرزندان معنوی و بخشی از قوم خدا باشند. حضرت عیسی (ع) می‌گوید: "من به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در جشن همراه با حضرت ابراهیم (ع)، اسحاق و یعقوب در ملکوت آسمان جای خود خواهند گرفت" [متی ۸:۱۱]. رهاب، که به مردم خدا کمک می‌کند، یک غیریهودی است [عبرانیان ۱۱:۳۱]. جد داوود نبی، روت، یک یهودی است [روت: ۱]. حضرت عیسی (ع) وقت خود را با غیریهودیان می‌گذراند. او مردمان غیریهودی را دوست دارد و به آن‌ها خدمت می‌کند و این خدمت را به پیروان خود می‌آموزد.

بر پایه الهیات مسیحی، ملکوت خدا به هیچ‌یک از محدودیت‌های زمینی از قبیل ملیت، نژاد و سیاست محدود نمی‌شود. حتی محدود به حدود دینی هم نیست. همه مردم باید این فرصت را داشته باشند، تا خدا آن‌ها را به روابط خوب با او بازگرداند. آن‌ها دیگر نباید برده شیطان باشند. "زیرا او ما را از سلطه تاریکی نجات داده و به ملکوت پسری که او دوست دارد، که در آن ما رستگاری، آمرزش گناهان داریم، وارد کرده است" [نامه به کولسیان ۱: ۱۳-۱۴]. ملکوت خدا مانند رابطه یک خانواده است و هویت انسان‌ها از این رابطه ناشی می‌شود. یک راز بزرگ ملکوت خدا این است که از قبل بر همه حاکم بوده و اکنون بر همه حاکم است. حضرت عیسی (ع) بر مرگ و شر پیروز می‌شود و وقتی اولین بار به زمین می‌آید، ملکوت عدالت خود را برقرار می‌کند. از طریق مرگ و زنده شدن حضرت عیسی (ع) از مرگ، قدرت شیطان کاملاً شکست می‌خورد. شکست نهایی پادشاه تاریکی که خدا در سفر پیدایش [۳: ۱۵]، وعده داده است، محتمل می‌شود. مرگ دیگر حاکم نیست. شیطان دیگر حاکم نخواهد بود و پایان نبرد قطعی خواهد شد و جای تردید نیست که خداوند پیروز است.

بنا به نوشته‌های اناجیل، هنگامی که حضرت عیسی (ع)، برای اولین بار به زمین آمد، او ملکوت خدا را به شیوه‌ای جدید مطرح نمود. یکی از اهداف آمدن او فراخوانی مردم به سوی خود اوست. او رحمت، لطف و آمرزش گناهان را به همه کسانی که می‌شنوند، توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند ارائه می‌دهد. ظهور دوم ملکوت، هنگامی است که حضرت عیسی (ع) در پایان جهان با تمام قدرت به زمین بازمی‌گردد. اینجاست که طرح بزرگ با تحقق وعده خدا به پایان می‌رسد و سلطنت حضرت عیسی (ع) کامل می‌شود. با اولین ظهور حضرت عیسی (ع)، ملکوت خدا به همه مردم نزدیک می‌شود [متی ۱۷: ۴]. با ظهور دوم او، ملکوت خدا با روشی جدید دوباره در جهان شکل می‌گیرد [لوقا ۲۱: ۲۵-۲۸ و ۳۱]. ما در زمانی بین اولین و دومین ظهور ملکوت زندگی می‌کنیم و هنوز سلطنت کنونی ملکوت تاریکی به پایان نرسیده است.

همان‌طور که خدا برنامه‌های خود را برای حضرت ابراهیم (ع) اجرا می‌کند، خداوند این نعمت را برای بسیاری از گروه‌ها به ارمغان می‌آورد. این مردم جای خود را در طرح بزرگ او می‌گیرند. هنوز هم خداوند رابطه خود را با بسیاری از مردم روی زمین برقرار نکرده است. نسل ما در روزی زندگی می‌کند که ملکوت خدا در اینجا است، اما هنوز کاملاً نرسیده است. اکنون عصر شیطانی حاضر با عصر با شکوه آینده هم‌پوشانی دارد. بر اساس اناجیل، حضرت عیسی (ع) همه مردم را دوست دارد، فارغ از اینکه آن‌ها

چگونه هستند یا دیگران در مورد آن‌ها چه فکر می‌کنند و به شاگردان خود می‌آموزد که همان کار را انجام دهند. زندگی و تعلیم او عشق او به غیر یهودیان و یهودیان را نشان می‌دهد [متی ۱: ۱-۱۷ و لوقا ۳: ۲۳-۳۸]. در تبارنامه حضرت عیسی (ع) مسیح متوجه می‌شویم که حتی اگر مادر و پدرش یهودی هستند، برخی از او اجداد غیریهودیان هستند. سوابق خانوادگی وی در متی ۱ و لوقا ۳ وجود دارد. در حقیقت، سه زن از چهار زنی که در شجره‌نامه متی ذکر شده است، زنان غیریهودی هستند که از خدای اسرائیل پیروی می‌کنند (تامار، راحاب و روت). حتی خاندان اجدادی پسر موعود نیز آرزوی او را برای همه ملت‌ها - نه فقط اسرائیل - به عنوان بخشی از نعمت و میثاق آشکار می‌کند. در داستان متی [۴: ۱۲-۱۷]، حضرت عیسی (ع) در میان یهودیان و غیریهودیان راه می‌رود. او خدمات عمومی خود را به جای اورشلیم از شهر کفرناحوم آغاز می‌کند [متی ۴: ۱۲-۱۷]. او در آنجا معجزاتی برای غیریهودیان انجام می‌دهد [برای مثال نک. متی ۴: ۲۳-۲۵، ۸: ۵-۱۳، مرقس ۸: ۱-۹، لوقا ۱۱: ۱۷-۲۱].

حضرت عیسی (ع) بشارت خود را از یک دهکده سامری آغاز می‌کند. [یوحنا: ۴]. سامری‌ها گروهی هستند که دارای تبار یهودی و غیریهودی هستند. حضرت عیسی (ع) با استفاده از داستان‌ها و درس‌هایی درباره غیریهودیان به شاگردان و رهبران یهودی تعلیم می‌دهد [لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷، لوقا ۴: ۱۶-۳۰]. معلوم می‌شود که حضرت عیسی (ع) نه فقط منجی اسرائیل، بلکه منجی کل جهان است [برای مثال نک: اشعیا ۴۲: ۵-۷، ۴۹: ۶ و لوقا ۲: ۲۵-۳۲]. حضرت عیسی (ع) در میان غیریهودیان زندگی می‌کند و کار می‌کند تا عشق خود را به همه مردم، از جمله شاگردان خود، نشان دهد [متی ۱۵: ۲۱-۲۸].

خدا سنت یهودیان را به سنت‌های سایر مردم ترجیح نمی‌دهد. اراده خدا بر این است که مردم عبری را برکت دهد و آن‌ها را به عنوان کاهنان و یک ملت مقدس جدا کند تا آن‌ها برای دیگر ملت‌ها برکت‌بخش باشند. خدا می‌خواهد یهودیان طرح بزرگ را به همه مردم منتقل کنند، تا بشریت با خدا آشتی کند. او قصد ندارد همه مردم، هویت طبیعی مردم یهود را به خود بگیرد. بر اساس یوحنا [۳: ۱۶-۲۱] و مرقس [۵: ۱-۲۰]، حضرت عیسی (ع) مردم را ترغیب می‌کند که توبه کنند و ملکوت تاریکی را ترک کنند و به ملکوت نور بیایند. در عین حال، او می‌خواهد مردم وقتی آن‌ها را پیدا می‌کنند، هویت طبیعی خود را حفظ کنند. او نمی‌خواهد آن‌ها روشی جدید یا خارجی در زندگی اتخاذ کنند که ممکن است موجب شرمساری خانواده یا خود آن‌ها شود. هنگامی که یک مرد یونانی

توسط حضرت عیسی (ع) شفا می‌یابد، می‌خواهد با حضرت عیسی (ع) و شاگردان یهودی او سفر کند، حضرت عیسی (ع) به مرد دستور می‌دهد که به نزد خود (غیر یهودیان) برگردد و بشارت را در میان آن‌ها منتشر کند. او اجازه نمی‌دهد که این مرد، مردم خود را ترک کند و با یهودیان سفر کند. حضرت عیسی (ع) این مرد را به دلیل یهودی نبودن بر نمی‌گرداند. او را برمی‌گرداند زیرا او مردم این مرد را دوست دارد و می‌خواهد آن‌ها ملکوت خدا را از شخصی با همان هویت طبیعی خود دریافت کنند.

حضرت عیسی (ع)، هرگز خواستار تغییر هویت طبیعی افراد نمی‌شود. یهودیان بخشی از جامعه یهودیان باقی می‌مانند، سامری‌ها با مردم خود در روستاهای سامری باقی می‌مانند و شهروندان رومی، حتی زمانی که از او به عنوان عالی‌ترین مقام اطاعت می‌کنند، پیوند خانوادگی آنان تغییر نمی‌کند. در ملکوت خدا، مردم خدا فقط خدای متعال را می‌پرستند. بنابراین، حقیقت بشارت این است که فرد می‌تواند، راه‌های ملکوت خدا را دنبال کند، بدون اینکه پیوند خود را از خانواده و جامعه خودش بگسلد. منظور از پیروی از حضرت عیسی (ع) چیست؟ حضرت عیسی (ع) به پیروان خود یادآوری می‌کند که بر اساس بشارتی که به حضرت ابراهیم (ع) داده شده، مردم زمین برکت دریافت خواهند کرد. حضرت عیسی (ع) صریحاً هدف و مسئولیت آن‌ها را به عنوان وراثت عهد خدا با حضرت ابراهیم (ع) یادآور می‌شود. او عهد خدا را با قوم خود تأیید می‌کند و در متی [۲۸: ۱۶-۲۰]، مسئولیت برکت دادن به همه مردم مطابق میثاق منعقد شده با حضرت ابراهیم (ع) را یادآوری می‌کند. وی ادعا می‌کند، "اما من، وقتی از زمین برخیزم، همه انسان‌ها را به سمت خود جلب خواهم کرد" [یوحنا ۳۲: ۱۲].

بسیاری از پیروان یهودی حضرت عیسی (ع) هنوز ادعا می‌کنند که غیریهودیان بدون پیروی از شرع، نمی‌توانند وارد ملکوت خدا شوند [اعمال ۱۵: ۱، ۵]، اما همان‌طور که پولس توضیح می‌دهد، همه کسانی که از حضرت عیسی (ع) پیروی می‌کنند، از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و وارثان وعده می‌شوند، "حضرت ابراهیم (ع) را در نظر بگیرید: "او به خدا ایمان آورد و این به او به عنوان عدالت شناخته شد. "بنابراین کسانی که ایمان دارند فرزندان حضرت ابراهیم (ع) به حساب می‌آیند. کتاب مقدس پیش‌بینی می‌کرد که خداوند بر اساس ایمان داوری خواهد کرد. بنابراین کسانی که ایمان دارند، همراه با حضرت ابراهیم (ع)، مرد ایمان، برکت می‌یابند" [غلاطیان ۳: ۶-۹].

در مسیحیت این تعمیم جهانی از طریق مسیح محقق شود که از نسل ابراهیم بود. پولس اشاره می‌کند که مسیحیان از فرزندان معنوی ابراهیم هستند. بنابراین به عقیده

آن‌ها مسیحیان واسطه خدا برای برکت دادن به "همه خانواده‌های روی زمین" هستند [نامه به رومیان ۴: ۱۱-۱۷]. حضرت عیسی (ع) یکبار اشاره کرد که خدا "نور خورشید خود را به همگان می‌بخشد و او باران را بر عادل و ناعادل به طور یکسان می‌فرستد" [متی ۵: ۴۵]. خدا هنوز هم آنچه را که بشر برای زندگی مورد نیاز است فراهم می‌کند، حتی اگر مردم فقط "با عرق جبین" آن‌را بدست آورند [پیدایش ۳: ۱۷-۱۹]. زندگی در برکت خداوند به معنای این نیست که انسان از سختی‌ها و رنج‌ها معاف باشد. یوحنا می‌گوید: شخصی که گرفتار آزمایش است، در حال بهره‌مندی از برکت است [یوحنا ۱۲: ۱]. همچنان که یوحنا می‌گوید: وقتی مشکلات سر راهمان قرار می‌گیرند، ما باید آن‌را فرصتی برای شادی بزرگ بدانیم، زیرا ما می‌دانیم که ایمان آزمایش می‌شود، رنج‌های ما فرصتی برای رشد ماست [یوحنا ۱: ۲-۳، مزامیر ۱۲: ۹۴].

نتیجه‌گیری

نتیجه نخست اینکه در گذر از میثاق عهد عتیق به میثاق عهد جدید مهمترین رویداد این است که در عهد عتیق میثاق و در کنار آن برکت و نفرین تنها برای اسرائیلیان است، در حالی که از عهد جدید چنین برمی‌آید که میثاق در آن جهانی است، هم برای یهودیان و هم برای غیریهودیان. بنابراین در مسیحیت دایره شمول میثاق و برکت بسی فراخ‌تر از پیشینیان در نظر گرفته شده است. در عهد عتیق از انسان خواسته می‌شود، تا رحمت و برکت از سوی خدا را با انتقال آن‌ها به دیگران و رفتار شایسته نشان دهد. در عهد جدید نیز تمامی برکت‌بخشی‌ها از جانب خدا است و تنها واکنش مناسب انسانی در برابر این رحمت و برکت این است که ضمن شکرگذاری، موجب تداوم و واسطه انتقال آن شود. معلوم می‌شود که اصل میثاق و مفهوم برکت در عهد عتیق به عنوان توانمندسازی هنوز در عهد جدید وجود دارد. اما این مفهوم بیشتر در عهد جدید به حیات معنوی مربوط می‌شود و میثاق بیشتر به صورت میثاق لطف و به معنای فدیة و فیض در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، عهد جدید نشان‌دهنده حوزه گسترده‌ای از رحمت و برکت‌بخشی الهی است.

نتیجه دوم این است که، در الهیات مسیحی، برکات الهی به واسطه حضرت مسیح (ع) تکمیل شده و برکت‌بخشی او موجب فزاینده‌گی خلقت خوب خداوند گردیده است. بنابراین، برکتی که در کلام عیسی آمده، گاهی فراخواندن نیروی پاک و مقدس خدا برای بندگان است و گاهی نیز طلب خیر اخروی برای پیروانش. به هر حال، وعده

برکت و نجات در عهد جدید در مسیح تحقق می‌یابد و مسیح کلید تحقق وعدهٔ برکت است. حضرت مسیح خود می‌گوید که برای ورود به ملکوت خدا باید فروتن بود و ایمان کودکانه داشت. مبارک بودن در اینجا نیز به معنای داشتن یک رابطهٔ صمیمی با عیسی مسیح است. زیرا، او منبع همهٔ برکات است. از این روست که در عهد جدید، عیسی خود تحقق ذریهٔ وعده داده شده است و برکت ذریهٔ همهٔ کسانی را که به عیسی ایمان می‌آورند را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، در اینجا دیگر تبارنامه‌ها محل توجه نیستند. وعدهٔ سرزمین نیز به همین ترتیب گسترش می‌یابد تا جایی که همهٔ سرزمین‌ها و ساکنان آن‌ها را شامل می‌شود.

نتیجهٔ سوم اینکه، موضوع برکت در عهد جدید جهت سیر خود را از زمین به آسمان تغییر می‌دهد. حضرت عیسی (ع) آمده تا ملکوت معنوی و آسمانی را به انسان اهدا نماید. ملکوت معنوی هم به هیچ‌یک از محدودیت‌های زمینی از قبیل ملیت، نژاد و سیاست و امور مادی محصور نمی‌شود. چرا که تابعیت در ملکوت خدا تابعیت سیاسی نیست و شهروندان هر قبیله یا ملتی می‌توانند شهروندان ملکوت خدا باشند.

نتیجهٔ چهارم این است که در عهد جدید سعادت انسان به آینده موقوف می‌شود. به عبارت دیگر، آنچه در مورد برکت در عهد جدید تازگی دارد، ایدهٔ به ارث بردن ملکوت از طریق آمدن مسیح در آینده است و اعطای برکات در نهایت تا تحقق آیندهٔ پادشاهی خدا بر روی زمین تجربه نخواهد شد. بنابراین، در موضوع سعادت، حال و آینده به نوعی با هم مرتبط هستند.

نتیجهٔ پنجم عبارت است از اینکه، در الهیات مسیحی تأکید بر این است که برکت خدا بر انسان از روی اطاعت و استحقاق انسان نیست و حتی خود اطاعت نیز ناشی از برکت الهی است.

سرانجام اینکه در عهد جدید نهایت برکت در یک کلمهٔ بنیادی خلاصه می‌شود و آن عبارت است از نجات. این رستگاری شامل تمام وجود یک شخص اعم از روح، جان و بدن می‌شود. بر اساس اناجیل نجات از طریق قربانی عیسی روی صلیب اتفاق افتاده که در طی آن برکت با نفرین مبادله شده است.

منابع

[۱]. کتاب مقدس.

[2]. Barnhart, Robert K. (1995), Blessing, Lessing, the Barnhart Concise Dictionary of Etymology

Harper Collins ISBN 0-06-270084-7.

- [3]. Boyd. Jann (2005) *Blessing in scripture, liturgy and the life of the church*, The Rev Assistant Professor of Worship and Homiletics and Dean of Studies, Lutheran Theological Seminary, Saskatoon. January.
- [4]. Das. Joshua, https://www.academia.edu/34125271/Blessing_in_Genesis
- [5]. Douglas R. A. Hare, Matthew (Interpretation; Louisville, KY: John Knox Press, 1993).
- [6]. Dunn. James D. G., *Romans 1-8* (WBC; Louisville, KY: Word, 1988).
- [7]. Evans. Mary J, *Blessing and Curse*, in *New Dictionary of Biblical Theology* (eds. T. D. Alexander, B. S. Rosner; Downers Grove, IL/Leicester: IVP, 2000).
- [8]. Goerling. Fritz (2010), *Baraka (as Divine Blessing) as a Bridge in Manding Languages (Especially in Jula of Côte d'Ivoire)* *Journal of Translation*, Volume 6, Number 1.
- [9]. Hagner. Donald A, *Matthew 1-13* (WBC; Dallas, TX: Word, 1993) 92. He likens this to Paul's use of kosmos in *Romans 4:13* (see below).
- [10]. Kent Harold. Richards, (1992), "Bless/Blessing." In David Noel Freedman, Eds. *The Anchor Bible Dictionary*, vol. 1, pp. 753-55. New York: Doubleday.
- [11]. Lenning. Larry G. 1980. *Blessing in mosque and mission*. Pasadena, Calif.: William Carey.
- [12]. Malan. Johan (August 2013), *Blessing in the Bible*, Mossel Bay, South Africa www.bibleguidance.co.za.
- [13]. Manser. Martin H. (2009), *Dictionary of Bible Themes: The Accessible and Comprehensive Tool for Topical Studies* (London: Martin Manser).
- [14]. Mitchell C. W. (1987), *The Meaning of BRK "To Bless" in the Old Testament* [= *Society of Biblical Literature. Dissertation Series 95*], Atlanta.
- [15]. Rev. Jann Boyd, (January 2005), *Blessing in scripture, liturgy, and the life of the church*, Lutheran Theological Seminary, Saskatoon.
- [16]. Ross. Allen P, *Creation & Blessing*. (Grand Rapids: Baker Book House, 1988).
- [17]. Ross. Allen P, *Genesis*, in the *Bible Knowledge Commentary: An Exposition of the Scriptures*, ed. J. F. Walvoord and R. B. Zuck, vol. 1 (Wheaton, IL: Victor Books, 1985).
- [18]. Simons, Thomas. (1981), *Blessings: A Reappraisal of their Nature, Purpose, and Celebration*. Saratoga, CA: Resource Publications.
- [19]. Stott. R. W, *the Message of Romans: God's Good News for the World* (BST; Leicester: IVP, 1994).